

نشریه تخصصی
رصد رویدادهای اندیشه‌ای

شماره ۱۰ / بخش دوم / ویژه مرداد ماه ۱۳۹۹

دیدهبان اندیشه

کارگروه فلسفه و اندیشه
مؤسسه فرهنگی رسانه‌ای شناخت
(شناخت پژوهان رسانه)

حسن و قبح عزاداری حسینی در فضای گرونمایی

عبدالکریم سروش

علیه‌اعدام گسترسی و سیاست‌ارباب

احسان شریعتی

آیا فرم نظام سیاسی در استقرار دموکراسی بی‌تاثیر است؟

احمد فعال

بازخوانی اخلاق عده‌ومی و خصوصی در ایران

عباس آخوندی

چرا روحانی «بازار محرم» را تعطیل نکرد؟

سولماز ایکدر

فلسفه‌های مضاف، شرط پویایی تمدن اسلامی

عبدالحسین خسروپناه

چرا باید در وضعیت گرونمایی مناسب محرم را برگزار کرد؟

حبیب‌الله بابایی

راه طی شده غرب‌شناسی

ذبیح‌الله نعیمیان

ارمغان سپهروردی تذکر به انسانی دیگر

عبدالله صلواتی

منادیان حقیقت و واقعیت در برابر روایان تحریف

علیرضا معاف

با آثار و گفتارهایی از:



محمد باقر تاج‌الدین



مهراب صادقی‌نیا



محمد فاضلی



احمد زید آبادی



خسرو باقری



علیرضا شجاعی‌زند



سید عبادت یزدانی



مهدی فاضلی



سخنرانی صوتی |

تربیت با تخلق ممکن می‌شود، نه با آموزش

▲ حمیدرضا آیت‌اللهی

نشست «ارتقای اخلاق و تعاملات دینداری» هفته گذشته با ارائه دکتر حمیدرضا آیت‌اللهی، استاد بازنشسته فلسفه دین دانشگاه علامه طباطبایی در دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران در باره «چالش‌های متخلق شدن» برگزار شد.

آیت‌اللهی در ابتدا طرح مساله کرد و گفت: برای آنکه جامعه‌ای اخلاقی داشته باشیم یا برنامه‌ای برای ارتقای اخلاقی در دانشگاه تنظیم کنیم با برخی چالش‌ها روبه‌رو خواهیم بود که در این نوشتار به دسته‌ای از این چالش‌ها که از آن به‌عنوان چالش‌های متخلق شدن تعبیر شده است، اشاره می‌شود. او در ادامه گفت: عنوانی که من برای صحبت‌هایم گذاشته‌ام، چالش‌های متخلق شدن است. تخلق به اخلاق با آموزش اخلاق فرق می‌کند؛ اخلاق می‌تواند در حوزه نظری باشد، اما تخلق امری است که در درون افراد نهادینه شده است. کار اصلی ما متخلق کردن افراد به ملکات اخلاقی مثل صبر، شکر، صداقت است و نه آموزش نظری آن‌ها. برای اینکه امری به‌صورت ملکه در بیاید، نوع مداخلات فرق اساسی با آموزش اخلاق دارد.



حمیدرضا
آیت‌اللهی

استاد بازنشسته فلسفه دین
دانشگاه علامه طباطبایی در
دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی
دانشگاه تهران

تجویز به جای توصیف

آیت‌اللهی سپس درباره تفاوت عقل عملی و عقل نظری گفت: افرادی مانند هیوم و مور در جریان تاریخ فلسفه اعتقاد دارند اصلاً عقل عملی احکام مختص خود را دارد و عقل نظری هم همین‌طور و این دو به یکدیگر ارتباط پیدا نمی‌کنند. اگرچه من بشخصه این مغایرت تام را قبول ندارم ولی دیدگاه هیوم به‌درستی تلازم تام این دو را (مخصوصاً آن‌گونه که افلاطون معتقد بود) نفی می‌کند و نشان می‌دهد این دو حوزه فضاهای متفاوتی را دارند؛ حتی نوشتن طرح‌نامه برای ارتقای اخلاقی خود در محدوده عقل نظری است و باید به این تمایز دقت کرد.

او یکی دیگر از ویژگی‌های چالش متخلق‌شدن را توضیح داد و گفت: متخلق شدن مبتنی بر روش‌های تجویزی است، نه روش‌های توصیفی. خیلی وقت‌ها ما در همان سطح مسائل توصیفی می‌مانیم. مثلاً در شبکه‌های اجتماعی و سایر رسانه‌ها از وضعیت اخلاقی گروه یا جامعه اشکال گرفته می‌شود و با آمار یا مواردی نشان داده می‌شود که چه مقدار بی‌اخلاقی در جامعه وجود دارد (مثل جوک‌های سیاه). در دانشگاه هم با این مسائل مواجه هستیم، مثلاً می‌گویند وضعیت حجاب در دانشگاه خوب نیست. این یک توصیف است، اما سؤال این است که ما اگر بخواهیم حجاب را در دانشگاه افزایش دهیم چه راه‌حل‌های تجویزی وجود دارد؟

آیت‌اللهی بیان کرد: متخلق شدن ارتباط بسیاری با انتخاب و اختیار دارد. اخلاق باید توسط دانشجو، استاد و دیگر افراد انتخاب شود. اگر دانشجو از ترس یا حتی از روی عادت یک کار اخلاقی خوب انجام دهد یا کار اخلاقی بد را انجام ندهد، باید او را به جهتی سوق دهیم که خودش مختارانه رفتارهای اخلاقی از خود نشان دهد. اگر یک نفر استاد در دانشگاه تقلب علمی نکرد، وقتی اخلاقی می‌شود که اجبارهای بیرونی تأثیر اصلی را در آن نداشته باشد. فرق رویکرد تقویت اراده فرد با رویکرد تیبیه و توییح در این است که دومی به‌دنبال رفتار اخلاقی با انتخاب فرد است، نه نتیجه آن؛ یعنی انجام رفتاری ظاهراً اخلاقی.

حسن فاعلی مهم است

او به نکته‌ای درباره دوره‌های سنی متخلق شدن اشاره کرد و گفت: در رشد عقل نظری هرچه سن بالاتر می‌رود، فراگیری افراد بهتر می‌شود، اما در مورد اخلاق برعکس است. همه متخلق شدن‌ها به اخلاق باید در سنین پایین صورت بگیرد؛ هرچه سن بالاتر می‌رود، اخلاقی شدن مشکل‌تر

می‌شود. تحقیقاتی انجام دادم تا ببینم در سایر کشورهای دنیا چه برنامه‌هایی برای بالابردن منش اخلاقی در میان دانشجویان پزشکی برای اخلاق پزشکی وجود دارد، دیدم در این زمینه کار جدی انجام نشده است. آیت‌اللهی با تاکید بر تنوع روش‌های تخلق گفت: ما اساتید دانشگاه، به علت ماهیت کارمان، بیشتر به تدریس و روش‌های تبیینی فکر می‌کنیم. گرچه این یک روش است ولی روش‌های متنوع دیگری نیز می‌تواند وجود داشته باشد. در کار تحقیقی که برای متخلق کردن دانشجویان پزشکی به اخلاق به عهده داشتیم، توانستم ۳۶ روش در این زمینه پیدا کنم. آیا اگر به دانشجوی پند دهیم این کار را نکن، این روش می‌تواند اثرگذار باشد؟ در این تحقیق نشان داده شده است که این روش ابتدایی در موقعیتی خاص تا یک حد بخصوص اثر دارد؛ اینکه ما به‌طور مستقیم به کسی پند دهیم، یک روش است اما اگر برای متخلق شدن افراد بخواهیم کاری انجام دهیم باید از تمام روش‌ها به‌طور موازی استفاده کنیم.

روش‌های دیگری مانند الگو ساختن، جلسات بحث و گفت‌وگو تشکیل دادن یا تربیت حین مشارکت‌های اجتماعی، روش‌های متنوع دیگری هستند که می‌توانند به کار گرفته شوند. او بحث حسن فاعلی در نگرش اسلامی به اخلاق را مطرح کرد و گفت: ما در متخلق کردن افراد بیشتر به

حسن فعلی فکر می‌کنیم. اگر در دانشگاه هیچ دانشجویی دروغ نگوید، دانشگاه را اخلاقی می‌دانیم در حالی که بین اینکه دانشجویان از ترس دروغ نمی‌گویند با اینکه برای رضایت خداوند دروغ نمی‌گویند فرق بسیاری وجود دارد. در اخلاق اسلامی به حسن فاعلی خیلی توجه شده است، بنابراین باید روی انگیزه‌ها هم کار کرد، نه فقط بر صرف رفتار اخلاقی. نکته دیگر اینکه برنامه‌هایی که از بالا به پایین ابلاغ شود، نمی‌تواند تأثیرگذاری لازم را داشته باشد. ارائه یک طرح‌نامه برای اخلاقی کردن دانشگاه هم می‌تواند یک برنامه از بالا به پایین باشد؛ لذا باید حواس‌مان باشد تا اخلاق از دل خود دانشجوی نشأت بگیرد. اگر برنامه‌ای تعاملی برای متخلق شدن در دانشگاه در نظر داریم بدانیم متخلق شدن یک فرایند طولانی‌مدت است و با اقداماتی که بتوانند به‌یکباره با یک روش مؤثر باشد نیست، لذا باید هم تنوع روش‌ها و هم تداوم زمان‌بندی از برنامه‌ها داشته باشیم.

او درباره بحث ارزیابی اخلاقی گفت: فرض کنید کسی می‌خواهد بیاید این جلسه ببیند آیا این جلسه ملاک‌های اخلاقی رعایت شده است یا نه.

برای ارزیابی هر موقعیت انسانی ارزیابی‌ها به این سادگی نیستند چرا که اخلاقی بودن صرفاً از روی آثار فهمیده نمی‌شود. باید بتوانیم راه‌هایی برای ارزیابی و یا حساس‌سازی اخلاقی یک سازمان یا یک مجموعه یا یک فرد داشته باشیم. یکی از راه‌ها آن است که مجموعه‌ای از رفتارها را معین کنیم و با تیک زدن به هریک از آن‌ها به میزان اخلاقی بودن

پی ببریم ولی تشخیص بسیاری از امور اخلاقی بسیار مشکل است. این کار، ارزشمند ولی سخت است و فعالیت‌های کمی حول و حوش آن انجام شده است و می‌تواند کار بدیع و ارزنده‌ای برای کشور باشد.

دشواری درک مسوولان از اهمیت ارتقای اخلاقی

او در پایان گفت: من می‌خواهم تجربه ناموفق خودم را بگویم. معاون آموزشی دانشگاه صنعتی شریف از من خواسته بودند که برای ارتقای اخلاقی دانشگاه (دانشجو، استاد و کارمندان) طرح‌نامه‌ای تنظیم کنم. پس از تنظیم طرح‌نامه جلسه‌ای گذاشته شد تا سایر مسوولان دانشگاه آن را تأیید کنند. نخستین مسأله‌ای که مطرح شد این بود که چطور می‌خواهیم مسوولان اجرایی را قانع کنیم که این کار ضرورت دارد. دوم اینکه خب حالا مرامنامه نوشته‌اید که چه شود؟ آن‌ها می‌گفتند آقا یک کاری بکنید که در نهایت ما ببینیم مثلاً دانشجویان کمتر سیگار می‌کشند. با اینکه خودشان سفارش داده بودند ولی زیر بار نمی‌رفتند. دغدغه جدی آن است که بتوانیم با کارفرما وارد گفت‌وگو شویم و او را قانع کنیم. این یک چالش بزرگ در آینده خواهد بود و باید از الان فکر کنیم چطور این چالش را حل کنیم. یک تجربه دیگر من در سال ۱۳۸۸ بود. وقتی در آن سال مسوولیت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به من سپرده شد، نزد معاون پژوهشی وزارت علوم رفتم و پیشنهاد کردم ضرورت دارد برای پژوهش کشور مطالبی درباره اخلاق پژوهش تنظیم کنیم. ابتدا هیچ شناختی از اینکه چگونه می‌توان برای پژوهش، اخلاق نوشت، نداشتند و صرفاً به خاطر اعتماد به من قبول کردند تا ببینند نتیجه کار چه خواهد شد. بعد که ما به تدریج کتاب‌ها را انتشار دادیم ادبیات موضوع زیاد شد و خودشان شروع کردند به نوشتن مرامنامه‌های اخلاقی در پژوهش.